

روایتی از یک خیانت و عمری پشیمانی!



شدم. این بود که به ارتباط با دختران دیگر روی آوردم و با آن اوقات بیکاری و استراحتم را می گذراندم چرا که من فروشگاه گوشنی تلفن همراه داشتم و هر زمان که می خواستم فروشگاه را تعطیل می کردم و با آن دختران به تفریح و خوشگذرانی می رفتم. بارها در تنهایی خودم نامه ای برای دختر عمه ام نوشتم تا از مشهد فرار کنم و به شهر دیگری بروم اما باز وجدانم اجازه نمی داد چرا که همسرم در این ماجرا گناهی نداشت و من حتی به او خیانت می کردم.

ولی من تک پسر خانواده ام بودم و با التماس های خواهرانم از این تصمیم منصرف شدم. بالاخره با دختر عمه ام «سوسن» ازدواج کردم. او اگرچه دختری قانع، محجبه و بسیار مهربان بود اما من او را دوست نداشتم، بدو واقع با زندگی و آینده دختری بازی کرده بودم که هیچ گناهی نداشت و من فقط به خاطر خودخواهی های خودم و خانواده ام او را زجر می دادم. گاهی به بهانه های مختلف با «سوسن» مشاجره می کردم و بعد با حالت قهر از منزل بیرون می رفتم تا ساعاتی را با «فریده» بگذرانم. از طرف دیگر سوسن که به رفتارهای من مشکوک شده بود موضوع را با پدرم در میان گذاشت و به همین خاطر درگیری شدیدی بین من و خانواده ام به وجود آمد. به همین دلیل حدود ۲ ماه را در لاک تنهایی خودم فرو رفتم و «سوسن» هم در این شرایط همه بی ادبی ها و رفتارهای زشت و توهین های مرا تحمل می کرد چون از ماجرای عاشقنی خیابانی من اطلاعی نداشت.

گروه حوادث - هنگامی که با اصرار پدرم با دختر عمه ام ازدواج کردم، عاشق دختری دیگر بودم که از مدتی قبل با ارتباط داشتیم. به همین دلیل نه تنها علاقه ای به همسرم نداشتم بلکه مسیر خیانت را در پیش گرفتم و با زنان دیگر هم ارتباط برقرار کردم تا جایی که ...

اینها بخشی از اظهارات جوان ۲۵ ساله ای است که زندگی اش در آستانه نابودی قرار گرفته بود. این جوان درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلاتری شفا می گفت: «۲۰ سال بیشتر نداشتم که روزی در خیابان عاشق «فریده» شدم و مدتی بعد تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم؛ اما زمانی که ماجرای عشق و عاشقی ام را برای خانواده ام بازگو کردم، همه آن ها حیرت زده به هم نگرینستند و با این ازدواج مخالفت کردند. پدر و مادر معتقد بودند عشق های خیابانی فرجامی جز خیانت و طلاق نخواهد داشت چرا که این گونه ارتباط ها فقط به خاطر قیافه های ظاهری و هوس های دوران جوانی رخ می دهد اما من به این نصیحت ها توجهی نداشتم و به این ازدواج اصرار می کردم. از سوی دیگر هم پدرم تأکید می کرد که حتما باید با دختر عمه ام ازدواج کنم در غیر این صورت مرا از ارث محروم می کند. خلاصه به شدت درمانده بودم و حتی تصمیم گرفتم خانه را ترک کنم و به طرف فریده بروم؛

قتل مادر سال ها بعد از شکست عشقی ...

پیمان که مدتی عضو یک باند سارقان مسلح بود، گفت: وقتی عضو باند سرقت مسلحانه شدم همراه دیگر همدستانم چندین خانه را به صورت مسلحانه سرقت کردیم اما بعد از مدتی بازداشت شدیم. هر کدام از ما را به ۱۵ سال حبس محکوم کردند و چون رفتارمان خشن بود، ما را عفو نکردند. مابدون حتی یک روز مرخصی و عفو در زندان ماندیم. ۱۵ سال بعد که آزاد شدم همه چیز تغییر کرده بود زندگی شکل دیگری شده بود و من نمی توانستم زندگی درستی داشته باشم به همین خاطر دوباره به سمت مواد رفتم. بعد هم مادرم را کشتم. من از قتل مادرم بسیار پشیمان هستم و از او ایلی دم عذرخواهی می کنم.

متهم گفت: من شیشه می کشیدم. زمان حادثه توهم داشتم و حالم خوب نبود. مادرم می خواست برادرم پدرام را صدا کند اما به اشتباه اسم من را گفت. من هم به شدت عصبانی شدم و فحش دادم و جرح و بحث کردم.

متهم گفت: به سمت مادرم حمله ور شدم. او به پدرم و برادر دیگرم که فوت شده اند، فحش داد و مرا عصبانی تر کرد. من هم چرخ خیاطی را برداشتم که به بوفه بگویم اما به سمت مادرم رفتم و چرخ به سر مادرم برخورد کردم.

پیمان درباره اینکه از چه زمانی معتاد شده است، گفت: سال ها قبل عاشق دختر همسایه به نام نگار شدم. پدر و مادرش به شدت مخالفت کردند و اجازه ندادند ما با هم ازدواج کنیم. عشق نافر جام من به نگار و ازدواج نگار با مرد دیگری من را تحت تاثیر قرار داد و باعث شد به سمت مواد بروم و از آن به بعد خللاک شدم.

متهم گفت: همه چیز خراب شد. من وارد یک باند خلاف شدم تا نگار را فراموش کنم اما هر روز بیشتر در کثافت و بدبختی فرو رفتم.

گروه حوادث - پسری که بعد از شکست عشقی به معنای خلافکار تبدیل شده بود، در نهایت مادرش را به قتل رساند و به زودی به همین اتهام در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می شود.

متهم پس از کوبیدن چرخ خیاطی به سر مادرش و قتل او دست به خودکشی زد اما از مرگ نجات پیدا کرد.

پرونده این جنایت هولناک با تماس تلفنی همسایه ها با ماموران به جریان افتاد. آنها گفتند مرد جوانی خودش را از پنجره به بیرون پرت کرد. ماموران با حضور در محل علاوه بر پیکر خون آلود مرد زخمی، جسد زنی ۷۰ ساله را هم پیدا کردند. پسر جوان دیگری به نام پدرام که به شدت ترسیده بود، به ماموران گفت که پدرش پیمان که حالا خونین روی زمین افتاده، مادرش را پریشان کرده است.

پیمان در دادگاه با همکاری و همچنین انتقال پیمان به بیمارستان پرونده پیگیری شد و پیمان بعد از بهبودی نسبی به قتل مادرش اعتراف کرد. او گفت قصد داشت چرخ خیاطی را به بوفه بکوبد اما چرخ منحرف شد و به سر مادرش خورد.

تهیه اسلحه برای قتل خانوادگی



گروه حوادث - پرونده جنایت خانوادگی در محله چهارباغ تهران در کمتر از ۲۴ ساعت بسته شد.

در ساعت ۲۳:۳۰ چهارشنبه مورخه ۲۳ خرداد ۱۴۰۳، وقوع یک قفزه تیراندازی در منزلی واقع در چهارباغ شرقی به کلاتری ۱۳۸ جنیت آباد اعلام شد.

با حضور مأموران در محل و انجام تحقیقات اولیه مشخص شد داماد خانواده که ۲۰ ساله است، با مراجعه به محل زندگی خانواده همسرش، پس از ورود به خانه اقدام به تیراندازی کرده که بر اثر این تیراندازی، پدر همسرش را به قتل رسانده و با مجروح کردن همسر و مادر همسرش، با خودروی ۲۰۶ از محل متواری شده است.

ارجاع پرونده به اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ

با وقوع جنایت، موضوع به پلیس آگاهی و دادسرای امور جنایی اعلام شد و با حضور باز پرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی و کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل و تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع قتل عمد، ادامه تحقیقات در دستور کار کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

با شناسایی مخفیگاه متهم در استان البرز شهرستان ملارد، کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی روز پنجشنبه مورخه ۲۴ خرداد ۱۴۰۳ جهت دستگیری قاتل به شهرستان ملارد اعزام شدند و در تحقیقات میدانی اطمینان پیدا کردند که وی داخل یک خانه ویلایی مخفی شده است.

در زمان عملیات دستگیری، قاتل با مطلع شدن از حضور مأمورین اقدام به فرار کرد که با تعقیب و گریز و رعایت قانون به کارگیری سلاح و شلیک چندتیر هوایی نهایتاً قاتل دستگیر و به اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شد.

متهم در همان تحقیقات اولیه صراحتاً به ارتکاب جنایت و تهیه اسلحه از حدود یک سال پیش با هدف کشتن همسرش و اعضای خانواده همسرش اعتراف کرد.

متهم در اعترافاتش در خصوص شب جنایت به کار آگاهان گفت: بنده با همسرم اختلاف داشتم. شب جنایت با اسلحه ای که از قبل برای همین کار (ارتکاب قتل) تهیه کرده بودم به درب منزل پدر همسرم مراجعه کردم، به بهانه تحویل دادن وسایل شخصی پسر ۵ ساله مان وارد خانه شدم که به محض پایین آمدن پدر همسرم با او درگیر شدم و او را هدف گلوله قرار دادم، پس از آن همسرم و در آخر، مادر همسرم را با گلوله زدم و به سرعت با ماشین از محل فرار کردم.

سرهنگ کار آگاه رضی تشاری: معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعلام این خبر گفت: در زمان حاضر دو مجروح این درگیری خانوادگی منجر به جنایت در بیمارستان تحت اقدامات درمانی قرار دارند؛ متهم با قرار بازداشت موقت در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفته است و تحقیقات تکمیلی به ویژه در جهت کشف سلاح مورد استفاده در جنایت در دستور کار کار آگاهان این اداره قرار گرفته است.

درخواست طلاق از شوهری که یک ماه بعد از عقد فراری شد!

«می خواهم جدا شوم؟ یعنی تلاشی برای زندگی مشترک نمی کنی؟ من یک ماه بعد از عقد از سوی شوهرم ترک شدم. او هیچ محبی به من نمی کند. ما هیچ ارتباطی با هم نداریم. حتی تلفنی صحبت نمی کنیم. خودت کاری کنی؟»

در یک کافه کاری می کنم. بعد از عقد می خواستیم با هم به دبی برویم و آنجا کافه راه بیندازیم. شوهرم با این قول به من گفته بود می رود و من را هم می برد اما رفت و دیگر نیامد.

«پدرت با این جدایی موافق است؟»

نه او می گوید نباید این کار را بکنی و بسیار عصبانی است اما من تصمیم خودم را گرفته ام.

شوهرم پسر عموی پدرم بود. او بعد از سربازی به خواستگاری ام آمد. من هم قبول کردم اما فکر نمی کردم زندگی ما اینطور شود.

«چرا تو را رها کرد؟»

او مدتهاست که حتی با من تماس تلفنی هم ندارد.

«می دانی چرا چنین کاری می کنی؟»

نمی دانستم، تا اینکه متوجه شدم با زنی دیگر ارتباط دارد.

«می دانی آن زن کیست؟»

می دانم او یک زن اهل دبی است اما نمی دانم کیست.

«همسرت در جریان است می خواهی چه کنی؟»

مادرش در جریان است. به او اطلاع داده ام.

گروه حوادث - ستاره برای جدایی از شوهرش اقدام کرده است. او می گوید از همسرش خبر ندارد و این مرد مدت ها است که او را ترک کرده و رفته است. این زن از زندگی اش می گوید.

چه مدتی با همسرت زندگی کردی؟

مدت ها است که با شوهرم زندگی نمی کنم. او مدتهاست که از من دور شده است.

چرا مدتهاست از هم جدا شده اید؟

شوهرم بعد از عقد برای کار به دبی رفت. قرار بود دو سال آنجا بماند و برگردد اما دیگر برگشت.

چه مدتی بود او را می شناختی؟

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش | تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) | سایت: www.eghtesad-kish.ir

خدمات	مفقودی	اپلیکیشن خدماتی	استخدام
خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸	اصل کارت کیثوندی به شماره ۱۱۴۶۰۴/۰۶ به نام امیر علی رجب نژاد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	دوستم اپلیکیشن خدماتی کیش غذا، مارکت، خرید، دلیوری و... www.Dustam.com ۰۹۹۶۶۷۷۳۴۳۷	دعوت به همکاری بازاریاب امور بیمه ای مراجعه حضوری مجتمع خدماتی سعدی طبقه اول غرفه ۲۲، بیمه تعاون
خیاطی	اصل کارت اشتغال به نام عین الدین نیازی به شماره پاسپورت p02245209 و شماره پروانه کار ۲۱۴۲۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	درب اتوماتیک	استخدام منشی عصر ساکن کیش یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۹ تا ۳ شب
خیاطی حبیبی بازار پانیز - طبقه اول - غرفه ۱۲۱ ۰۹۳۶۸۱۳۷۷۸۸	تعمیرات کولر	درب های اتوماتیک دارکوب ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲	روزنامه اقتصاد کیش استخدام می کند خانم مسلط به شبکه های اجتماعی و فضای مجازی برای فعالیت و مدیریت گروه ها تلفن هماهنگی: ۴۴۴۲۰۲۸۴
ساختمان	تعمیرات کولر - اسپیلت ۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸	حمل بار	حمل بار به تمام نقاط جزیره ۰۹۱۷۹۸۵۰۵۷۱
تعمیرات و تأسیسات منزل لوازم آشپزخانه آب - برق ۰۹۱۷۹۷۵۷۲۳۰	جاسم کریمی فوری - مطمئن		

صنایع چوب | **حلاج کیش** | کلیه سفارشات | MDF، چوبی | دکوراسیون غرفه و منزل | تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲۰